

The role of mediation and intercession in realizing restorative justice

Hamidreza Motie¹

Seid Mehdi Ahmadi²

Hosein Rahimi Vaskasi³

Abstract

Restorative justice is a process that tries to give attention and authenticity to personal relationships in contrast to criminal justice that uses methods of punishment and satisfaction and rebuild what has caused the destruction of these relations in such a way that the victim, the offender and the local community are actively present in it and as a result of this participation, justice is realized which aims to restore relations. It means to compensate the losses caused by the crime and by analyzing and examining the causes, effects and results of the crime and the problems caused by it, find the appropriate solution to improve stable relationships. The realization of restorative justice, justice that is closer to human dignity, and reforming behaviors and restoring relationships for the betterment of society. It requires the development and application of methods that try to use different capacities to achieve maximum success and improve the health of society members in a meaningful way with the aim of socializing relationships. Among the methods of implementing restorative justice is the mediation method, which tries to discuss the causes, effects and results of the attributed crime and the ways to compensate for the resulting damages with the management of the mediator and, if necessary, with the presence of other effective persons. and achieve success that leads to the repair and restoration of relations. In Islamic jurisprudence, the criteria of restorative justice and mediation based on the reform of Zat al-Bin have been recommended and emphasized. Criteria for improving relationships between people, which are moral virtues. In this article, with the aim of understanding and explaining the role of mediation and intercession, their role in realizing restorative justice and reforming Zat al-Bin is discussed.

Keywords: Mediation , intercession , Correction of albinism , restorative justice , Criminal Justice

¹Ph. D student of Department of Law, Sari branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

hamidrezamotie667@Gmail.com

²Assistant Professor of Department of Law, Sari branch, Islamic Azad University, Sari, Iran (corresponding author).
Dr.ahmadi4545@gmail.com

³Assistant Professor of Department of Law, Sari branch, Islamic Azad University, Sari, Iran .
hoseinrahimi542@ gmail.com

نقش میانجیگری و شفاعت در تحقق عدالت ترمیمی

حمیدرضامطیع^۱ سید مهدی احمدی^۲ حسین رحیمی واسکسی^۳

چکیده

عدالت ترمیمی فرآیندی است که تلاش دارد در مقابل عدالت کیفری که از روش های سزادهی و رضایت استفاده می کند، به روابط شخصی توجه و اصالت دهد و آنچه موجب تخریب این روابط شده است را دوباره بسازد بگونه ای که بزه دیده، بزهکار و جامعه محلی در آن داوطلبانه بصورت فعال حضور داشته باشند و در اثر این مشارکت، عدالتی که هدف آن ترمیم روابط است محقق شود. یعنی ضرر و زیان ناشی از جرم جبران و با تحلیل و بررسی علل، آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن، راه حل مناسب در اصلاح روابط پایدار تحصیل شود. تحقق عدالت ترمیمی، عدالتی که با کرامت انسانی قریب تر است و اصلاح رفتارها و ترمیم روابط را برای تعالی جامعه، اندیشه می کند. مستلزم توسعه و بکارگیری روش هایی است که تلاش کند با استفاده از ظرفیت های مختلف، حداکثر توفیقات را تحصیل و سلامت افراد جامعه را به روشی مانا با هدف اجتماعی سازی روابط تقویت نماید. از جمله روش های اجرای عدالت ترمیمی، روش میانجیگری است، که تلاش دارد در فضای مناسب علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و راه های جبران خسارات ناشی از آن را با مدیریت میانجیگر و در صورت ضرورت با حضور سایر اشخاص مؤثر، به گفتگو بنشینند و توفیقاتی حاصل کند که به اصلاح و ترمیم روابط منتج گردد. در فقه اسلامی معیارهای عدالت ترمیمی و میانجیگری مبتنی بر اصلاح ذات البین توصیه و تأکید شده است. معیارهایی برای اصلاح روابط بین افراد که خود از فضائل اخلاقی است. در این مقاله با هدف شناخت و تبیین جایگاه میانجیگری و شفاعت به نقش آنها در تحقق عدالت ترمیمی و اصلاح ذات البین پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: میانجیگری، شفاعت، اصلاح ذات البین، عدالت ترمیمی، عدالت کیفری

hamidrezamotie667@Gmail.com

Dr.ahmadi4545@gmail.com

hoseinrahimi542@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

^۲ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول)

^۳ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران

در شریعت اسلام از انسان به عنوان نوع کریم یاد می شود، موجودی که خلقت او برای تکامل و سعادت ابدی است، خلقتی که انسان را اشرف مخلوقات می داند و جایگاه متعالی برای او تعریف می کند. خلقتی که به ما می آموزد چگونه باید با انسان رفتار کنیم و مناسبت ها و اتفاقات را بر اساس کرامت او تعریف نماییم. انسانی که اجتماعی زندگی می کند و وقایع و اختلافات موجوده در ادوار زندگی او نیز با نگرش بر اجتماعی سازی روابط، زیبایی و کمال را تصویر می کند، جلوه ای که منبعث از آموزه های دینی است. همواره یکی از موضوعات مهم مورد توجه ادیان و جوامع بشری، موضوع انسان، کرامات انسانی و حقوق اشخاص و به تعبیر امروزی حقوق بشر است، حقوقی که برای مهمترین رکن آفرینش هستی در نظر گرفته شده است. اختلاف، درگیری و تخاصم ما بین افراد، امری اجتناب ناپذیر در طول زندگی اشخاص است که به انحاء مختلف و به دلایل گوناگون ظهور و بروز یافته و مشکلاتی را ایجاد می نماید. مشکلاتی که تأثیرات خود را در جریان زندگی و اختلال در نظام طبیعی آن خواهد گذاشت، نظام قضایی ناگزیر است با وضع قوانین و مقررات عمدتاً غیرمنعطف و سزاده در صدد فصل دعوی و شکایت برآید. لیکن در دنیای امروزی و پیچیدگی های روابط اشخاص به کارگیری الگوهای نوین و مبتنی بر سرشت خلقت انسان با استفاده از ظرفیتهای مردمی و توسعه روشهای مشارکتی و غیرقضایی ضروری بنظر می رسد.

امروزه روش های متعددی برای حل و فصل اختلافات در چارچوب حقوق بین الملل عمومی وجود دارد اما آنچه باعث ارزش گذاری بر روی یک روش در مقایسه با روش دیگر است توان ایجاد سازگاری بین ویژگی های اختلاف به وجود آمده با ساختار روش حل اختلاف مورد نظر است. شیوه های حل و فصل اختلافات نیز مانند دیگر جنبه های زندگی، با تحول و نوآوری همراه است. یکی از شیوه های نسبتاً نوین حقوقی در فصل خصومت، «میانجیگری» است. رجوع به نهاد میانجیگری بعنوان یکی از روشهای عدالت ترمیمی و ایضاً تقویت این نهاد و سایر روشهای غیرقضایی می تواند ضمن حل و فصل دعاوی و برقراری صلح و سازش ما بین افراد به بهبود و تعمق روابط حسنه منتج گردد.

میانجیگری روشی است که می کوشد گفتمان بین طرفین نزاع را حاکم کند، در صورت لزوم افراد تأثیرگذار در مسئله و جامعه محلی را مشارکت دهد و میانجیگر را که مستعد برای مدیریت و تسهیل امور است به کارگیرد. روشی که حل اختلاف را به صورت مسالمت آمیز و از طریق گفتگو کار ویژه خود قرار داده تا ضمن جبران خسارات و تعیین حقوق و تعهدات طرفین، روابط آنها با یکدیگر و جامعه را نیز ترمیم دهد.

میانجیگری در منابع فقهی با عنوان شفاعت به معنای وساطت شخص ثالث برای عفو و بخشش آمده است، امری که در جرائم حق الناسی منع نشده و هدف آن کیفرزدایی و اصلاح ذات البین است، اصلاح خصومت ها و برقراری روابط صمیمانه توأم با احترام و حفظ کرامت که شایسته انسان است. غایت تفکر و تدبیر میانجیگر و شفیع، تلاش برای اصلاح ذات البین است، اصلاحی برای تحقق عدالت ترمیمی، عدالتی که بر تعادل و توازن بین تمامی ارکان جرم تأکید دارد و می کوشد ضمن بهبود وضعیت بزه دیده و مسئولیت پذیری بزهکار، ارتباط اشخاص درگیر در جرائم و خصومت ها را ترمیم و اصلاح نموده و بازپذیری اجتماعی بزهکار و و برگشت بزه دیده به روند طبیعی زندگی را محقق نماید.

شناخت دقیق جایگاه میانجیگری و شفاعت در نظام فقهی و حقوقی و اهداف مبتنی بر آن و ایضاً سایر روش های مشابه، در عصر کنونی که روابط اشخاص از پیچیدگی بیشتری برخوردار است و شاهد گسترش بحران در حوزه آسیب های اجتماعی،

بروکراسی های اداری، تراکم پرونده ها و حجم کار دادگاه های کیفری و قوانین طواری دادرسی از یک سو و تورم جمعیت کیفری از سویی دیگر که ناچاراً دقت در رسیدگی را تحت تأثیر قرار داده هستیم، می تواند با هدف تحقق عدالت ترمیمی، عدالتی که در جستجوی حل مشکل، جرم زدایی، قضازدایی، عدم تعقیب متهم، اصلاح نه مجازات بزهکار و انتقام از وی، با ابزارهایی مانند میانجیگری است، جریان سازی نموده و نقش مؤثری در مسیری که فلسفه خلقت انسان و روش تکامل اوست را ایفا نماید. نظم و آرامش بیشتر و صلح پایدار که محصول تدبیری است که اتفاقاً ریشه در نهادهای کهن جوامع انسانی و طرق حل اختلاف مبتنی بر سنت های بومی و مذهبی دارد و التیام و بهبودی بزه دیده، ترمیم روابط گسست شده و بازگرداندن توازن و هماهنگی به جریان زندگی افراد پیرامون نزاع را تعقیب می کند، برقرار نماید.

۲- عدالت ترمیمی

عدالت در لغت مایه اعتدال و استقامت در نفوس انسانی است و ضد آن «جور» است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ص. ۸۳/۹) مساوات و مقابل ظلم. (طریحی، ۱۴۰۸، ص. ۱۳۴/۲) عدالت، یعنی نهادن هر چیزی به جای خود و لفظی است که با معنایی وسیع در کلیه شؤون آدمی حضور مؤثر دارد. قانون عدالت یک قانون کلی و عمومی است و هر نوع داوری و حکومت را چه در امور بزرگ و چه کوچک شامل می شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴، ص. ۲۶۶) ترمیم نیز در لغت به معنای مرمت کردن و اصلاح کردن خلل یا خرابی چیزی آمده است. (معین، ۱۳۷۵، ص. ۲۳۴۵) ترمیم به معنای مرمت کردن و اصلاح کردن می باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص. ۷۳۲/۱) عدالت به عنوان یک موضوع قابل بحث در مفاهیم مکاتب حقوق کیفری و جرم شناسی، در دو حوزه ی کیفری و ترمیمی مطرح می شود. در این میان ناتوانی سیستم عدالت کیفری در دو طیف سزادهی و اصلاح و درمان، گرایش به عدالت ترمیمی را سبب شده است. (عباسی، ۱۳۸۲، ص. ۲۵) عدالت ترمیمی عبارت است از احیاء حقوق بزه دیده و ایجاد مشارکت فعال وی در جامعه در فرآیند اجرای عدالت. در این فرآیند جرم اقدامی علیه فردی دیگر یا اجتماع تلقی می شود نه علیه دولت و به جای مجازات به حل و فصل مشکلات ناشی از جرم تاکید دارد. (سبزواری، ۱۴۰۱، ص. ۱۴) اصولاً عدالت ترمیمی، سیاستی است که در پی بسیج امکانات و استعدادهای جامعه و بزه دیده و بزهکار و عدالت کیفری برای ترمیم گسست ها و شکاف های روابط انسانی و ترمیم و درمان لطمات و صدمات متحمل شده از سوی بزه دیده و بزهکار و وابستگان آنها و جامعه است و از روشی مسالمت آمیز برای مدیریت بزهکاری بهره می برد. به گونه ای که در عدالت ترمیمی، خود فرایند عدالت دارای جاذبه های انسانی است و خود مبلغ فرهنگ و مدنیت است. عدالتی که می خواهد بزهکاران را مستقیم تر مورد خطاب قرار دهد و از طرفی وی را با جامعه، بزه دیده، خانواده بزه دیده و مقامات دستگاه عدالت کیفری آشتی دهد. (عباسی، ۱۳۸۲، ص. ۲۵) به طور کلی در دادرسی، دو روش متفاوت وجود دارد؛ دادرسی تنبیهی یا کیفری و دادرسی ترمیمی. در دادرسی کیفری، مجرم مقصر است و باید مجازات شود؛ اما در دادرسی ترمیمی، بیشتر به فرد بزه دیده و جبران خسارت وی توجه می شود. در دادرسی کیفری، مجرم باید مجازات شود، چون نظم اجتماع را مختل کرده و به حقوق دیگری تجاوز نموده است، اما در دادرسی ترمیمی، به فرد برچسب مجرمانه نمی زنیم و تلاش می کنیم تا بزهکار و بزه دیده دوباره با صلح و صفا در اجتماع زندگی کنند. در واقع، نباید جواب اشتباه شخص مجرم را با یک واکنش اشتباه پاسخ داد. بلکه در این رویکرد کار مثبتی انجام می دهیم تا اشتباه آن شخص جبران شود. بر پایه مدل ترمیمی عدالت، بزه باید در قلمروی جامعه محلی که جرم در آن حوزه اتفاق افتاده است، به وسیله اعضای آن اجتماع محلی بین بزه دیده و بزهکار حل و فصل شود. در این مدل از عدالت، بزه دیده یک نقش فعال بر عهده دارد، به او امکان رویارویی با بزهکار و طرح نیازهایش داده می شود. در این مدل

باید به بزهکار کمک شود تا بتواند زیانها و صدمات وارده بر بزه دیده را به نحو مطلوبی جبران کند و روابطش را با بزه دیده سر و سامان دهد و صدماتی را که به نظم اجتماع وارد آورده جبران نماید در نتیجه در این مدل، به افراد اهمیت داده می شود. (شیری، ۱۳۸۵، ص. ۸۴) عدالت ترمیمی روش جدید اندیشیدن هم درباره جرم و هم درباره چگونگی پاسخ (واکنش) به آن است. (زهر، ۱۳۸۳، ص. ۵۵) بطور خلاصه عدالت ترمیمی فرآیندی است که تلاش دارد در مقابل عدالت کیفری که از روش های سزادهی و رضایت استفاده می کند، به روابط شخصی توجه و اصالت دهد و آنچه موجب تخریب این روابط شده است را دوباره بسازد بگونه ای که بزه دیده، بزهکار و جامعه محلی در آن داوطلبانه بصورت فعال حضور داشته باشند و در اثر این مشارکت، عدالتی که هدف آن ترمیم روابط است محقق شود یعنی ضرر و زیان ناشی از جرم جبران و با تحلیل و بررسی علل، آثار و نتایج جرم و مشکلات ناشی از آن راه حل مناسب در اصلاح روابط پایدار تحصیل شود.

۳- میانجیگری

میانجیگری در لغت به معنای وساطت، میانجیگری کردن، میانجی شدن و وساطت کردن است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ص. ۲۱۹۳۹) وساطت، میانجی بودن، شفیع، داور، حکم، مصلح. (معین، ۱۳۷۵، ص. ۴۴۸۰) میانجی یا میانجیگر میان دو نفر برای رفع اختلاف و آشتی دادن آنها است. (عمید، ۱۳۷۷، ص. ۴۳) میانجی گری یکی از شیوه های معروف مدیریت اختلاف می باشد و در مسائل کیفری نیز از شیوه میانجیگری کیفری برای حل و فصل اختلاف ها و مسائل مختلف ناشی از ارتکاب جرم بر اساس توافق شاکی - بزه دیده و متهم بزهکار با حضور شخص ثالث به نام میانجی گری استفاده می شود. میانجیگری در شرایط اختلاف اجتماعی رخ می دهد و کانون توجه آن فرایندهای حل اختلاف می باشد. میانجیگری در نتیجه اختلاف بین دو گروه مرتبط با هم با هدف دستیابی به توافقی که اختلاف آنها را حل نماید آغاز می شود. از این رو اختلاف و فرایندهای حل اختلاف در کانون فعالیت میانجیگری قرار دارند. (عسگری نیاسر، ۱۳۹۸، ص. ۸۱) بطور کلی میانجیگری روش یا آئین حل اختلاف است بدون دخالت دستگاه دادرسی، فرآیندی که طی آن بر ضرورت مذاکره شرکت کنندگان با یکدیگر جهت حصول یک توافق در خصوص دعوی مطروح تأکید و بر مبنای تصمیم سازی آزادانه و توأم با مشارکت طرفین نسبت به حل و فصل خصومت اقدام می شود. (سبزواری، ۱۴۰۱، ص. ۹۶) میانجیگری فرآیندی است که به بزه دیده فرصت می دهد با بزهکار ملاقات کند و در فضایی امن و آرام و با هدف حصول به آرامش و بهبودی و پاسخگو نمودن مستقیم بزهکار، جبران زیان های خود را تقاضا نماید. (غلامی، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۵) میانجیگری یکی از روش های مؤثر برای حل اختلاف بین اشخاص است، که به معنای وساطت کردن و واسطه شدن میان دو نفر برای رفع اختلاف و کشمکش آنهاست. (فرشی، ۱۳۹۹، ص. ۷) میانجیگری دارای فوائد بسیاری است که مهمترین آنها عبارتند از اینکه معمولاً باعث بازگشت خسارت و منتهی به استرداد مال به بزه دیده و بازگشت احساس امنیت به او می شود و باعث اصلاح و متنبه شدن می شود. (نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۰، ص. ۱۹) میانجیگری در آیین نامه مصوب سال ۱۳۹۵ هیأت وزیران اینگونه تعریف شده است: فرآیندی که طی آن بزه دیده و متهم با مدیریت میانجیگر در فضای مناسب در خصوص علل، آثار و نتایج جرم انتسابی و نیز راه های جبران خسارات ناشی از آن نسبت به بزه دیده و متهم گفتگو نموده و در صورت حصول سازش، تعهدات و حقوق طرفین تعیین می گردد.

۳-۱- جایگاه میانجیگری کیفری در نظام قضائی ایران

در قوانین پس از انقلاب همانند پیش از انقلاب، روش های جایگزین حل و فصل دعوا و مشخصاً میانجیگری در قالب مضامین و مفاهیمی همچون مصالحه و تلاش برای رسیدن به آن از طریق نهادهایی همچون اصلاح ذات البین، قاضی تحکیم، شوراها، حل اختلاف و غیره آمده است. در اصل ۱۵۶ قانون اساسی پیش بینی شده است که «به منظور تحقق بخشیدن به عدالت، قوه قضائیه وظیفه رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و... را برعهده دارد.» که راه کار عملی حل و فصل دعاوی و رفع خصومات را می توان در نهادهای فوق الذکر جستجو نمود که پیش از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) عمده ترین شاهراه حل و فصل دعاوی محسوب می شدند. (صبحی، ۱۳۹۴، ص. ۶۴)

سیاست کیفری ایران در قانون جدید آیین دادرسی کیفری در مرحله دادرسی بر میانجیگری دارد البته میانجیگری از نهادهای تازه تاسیس در ایران می باشد. اگرچه این نهاد سابقه ی طولانی ندارد، لکن حل و فصل اختلافات و دعاوی به شیوه ی مسالمت آمیز و از طریق صلح و سازش سابقه ای دیرینه در نظام دادرسی اسلامی دارد. نهاد های میانجیگری و هم چنین قاضی تحکیم در کلیه دعاوی ابتدائاً سعی در ایجاد صلح و سازش دارند و در صورت عدم حصول سازش، در اموری که صلاحیت دارند، اقدام به قرار مجرمیت می نمایند و این مهم در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در شقوق ۸۴، ۸۳، ۸۲ و ۱۹۲ پیش بینی شده است و به نظر می رسد مهمترین کارکرد دادرسی از منظر قانون آیین دادرسی کیفری جدید در راستای اهداف نظام عدالت ترمیمی شناسایی نقش میانجیگری میان بزهکار و بزه دیده برای دادرسی باشد. (رضایی و همکاران، ۱۳۹۸، ص. ۹۲)

«آیین نامه میانجیگری در امور کیفری» در ۳۸ ماده تهیه و در تاریخ ۱۳۹۴/۰۹/۰۸ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید و در روزنامه رسمی منتشر شد؛ در ماده ۳۸ آیین نامه تأکید شده بود که آیین نامه از تاریخ تصویب لازم الاجراست؛ اما به جهت تصریح ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری که تصویب آیین نامه را پس از تهیه توسط وزارت دادگستری و تأیید رئیس قوه قضائیه بر عهده هیأت وزیران قرار داده است، تصویب و لازم الاجراء دانستن آن توسط رئیس قوه قضائیه و جاهت قانونی نداشت از این روی آیین نامه پیشنهادی وزارت دادگستری مجدداً پس از تأیید رئیس قوه و با تغییرات و حذفاتی در مورخه ۱۳۹۵/۰۷/۲۸ در ۳۴ ماده به تصویب هیأت وزیران رسید. (فرشی، ۱۳۹۹، ص. ۸) به نظر می رسد قانونگذار با شناخت دقیق شرایط حاکم بر جامعه و نیازهای مبتنی بر آن، در صدد برآمده است با رجوع به مبانی فقهی و حقوقی، ضمن توجه به الگوی عدالت ترمیمی، روش های اجرای آن را به طریقی همچون میانجیگری قانوناً تعریف نموده و زمینه تحقق و بسط و گسترش آن را نهادینه سازد.

۴- تعریف لغوی و اصطلاحی شفاعت

میانجیگری در نظام فقهی تحت عنوان شفاعت تعریف می شود، شفاعت در لغت: شفع به معنای ضمیمه شدن چیزی به چیز دیگر است و شفاعت ضمیمه شدن شخص به دیگری است تا آن دیگری یار و یاور او باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص. ۴۵۷)

الشفاعه: شفع، خواهش گری، میانجیگری، پادرمیانی. (جبران مسعود، ۱۳۷۶، ص. ۱۰۳۰) شفاعت یعنی وساطت: کار واسطه، میانجیگری، وساطت، شفاعت. (جبران مسعود، ۱۳۷۶، ص. ۱۸۶۸) میانجیگری یا طرفداری از جمله صورتهای خاصی است که غیر قضایی ساختن امر تعقیب را متاثر از اندیشه کیفر زدایی ممکن می سازد از این وساطت خیر خواهانه که ویژه

(حقوق دینی) است تعبیر به شفاعت شده است. (صوفی و افراسیابی، ۱۳۹۷، ص. ۴۶) شفاعت در اصطلاح خواهش ثانی به سود اول است که جرمی و گناهی کرده است تا از جزای او بگذرند یا تخفیف دهند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ص. ۲۲۹۵) شفاعت در اصطلاح عرف به معنای درخواست چیزی از مقام بالاتر برای فرد پائین تر از خود می باشد. در شفاعت، فردی که مقام بالاتری دارد و دارای قوت در امری است، فرد ضعیف را جفت و قرین خود می کند تا از این طریق به او نفعی برساند؛ اعم از این که دنیوی باشد یا اخروی. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۹، ص. ۶۸۵) و در اصطلاح فقهی و حقوقی عبارت است از این که شخصی دارای شخصیت اجتماعی از قاضی دادسرا بخواهد از تعقیب متهمی که به اتهام ارتکاب جرم حدی تحت تعقیب قرار گرفته خودداری، یا از قاضی محکمه بخواهد از محکوم نمودن او درگذرد و یا از حاکم شرع بخواهد از اجرای محکومیت شخصی که مرتکب جرم حدی شده است، سرباز زده و وی را مورد بخشش قرار دهد. (نوبهار، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۶)

۵- شفاعت در فقه

شفاعت در قرآن بیشتر در معنای شفاعت اخروی بکار رفته است به نظر می رسد تنها یک آیه در قرآن است که در معنای شفاعت دنیوی به کار رفته است و می توان ناظر بر شفاعت مجرمان نزد حاکم محسوب نمود و به آن استناد کرد که حاکی از گرایش شارع مقدس اسلام به کیفرزدایی در اسلام است. (حسینوند، ۱۳۹۷، ص. ۸۲) خداوند در آیه ۸۵ سوره مبارکه نساء می فرماید: «مَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعُ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كُفْلٌ مِنْهَا» (نساء/۸۵) «هر کس شفاعت پسندیده ای کند، برای وی از آن نصیبی خواهد بود و هر کس شفاعت ناپسندیده ای کند، برای او از آن نیز سهمی خواهد بود.» خداوند متعال در این آیه به مؤمنین تذکر می دهد که به آنچه برایش شفاعت می کنند توجه کنند چون اگر در آنچه شفاعت می کنند شر و فساد باشد از آن نصیبی خواهند داشت. آیه از شفاعت سیئه یعنی شفاعت اهل ظلم و طغیان و نفاق و شرک و مفسدین فی الارض نهی می کند. (طباطبایی حائری، ۱۴۲۲، ص. ۲۹/۵) با توجه به آیه و روایت های مطرح در این باره و در کنار دیدگاه و آرای فقها درباره آن، این نکته روشن می شود که در فقه اسلام بر خلاف حقوق جزا که شدت و ضعف میزان مجازات را مبنای تقسیم بندی جرائم و مجازاتها می داند، آنچه در درجه بندی مجازات و تقسیم جرائم اهمیت دارد مسئله حق الله و حق الناس است و بر همین مبنا احکام و آثار گوناگونی بر هر دسته از مجازاتها مترتب می گردد؛ مانند شیوه اثبات و امکان صدور حکم غیابی که بین جرائم حق الله و حق الناس در این باره متفاوت است. یکی از مسائلی که بر مبنای حق الله و حق الناس می توان به آن پرداخت تعیین قلمرو شفاعت در حقوق کیفری است. بر این مبنا در جرائمی که جنبه حق الناسی دارند شفاعت در آنها نزد صاحب حق، منع شرعی ندارد، بلکه شفاعت حسنه و مورد تأیید قرآن کریم است اما چون حق الله در واقع اوامر و نواهی الهی هستند و حکم به اجرای مجازات که به عنوان تکلیفی بر عهده قاضی است و شفاعت در حق الله به منزله درخواست از قاضی برای عدم اجرای تکلیف شرعی است مسئله فرق دارد و در نتیجه در حدودی که جنبه حق اللهی دارند، شفاعت بر طبق روایات مردود است. (میرخلیلی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۴) با توجه به این که طرح و پیگیری دعوی کیفری تا اندازه زیادی در اختیار شاکی خصوصی است، روایات منع از شفاعت از چنان قوت دلالتی برخوردار نیستند که شفاعت در حدود حق الناسی را نفی کنند. بدین سان وضعیت شفاعت در جرائم حق الناسی تا اندازه قابل توجهی با جرائم حق اللهی متفاوت است. معمولاً شفاعت در این دست جرائم به ویژه شفاعت نزد بزه دیده برای عفو بزهکار بلامانع است؛ اما در این باره هم محدودیت

هایی وجود دارد. (نوبهار، ۱۳۹۳، ص. ۱۲۶) مذاقه در روایاتی که بر نفی شفاعت در حدود دلالت دارد و غور در روایاتی که بر جواز آن، می توان گفت در قصاص خداوند خود شفیع است و توصیه بر شفاعت، عفو و بخشش دارد، در مسئله دیات و تعزیرات نیز که جنبه حق الناسی دارد شفاعت نفی نشده است. لیکن در حدود که «قاعده لا شفاعه فی حد» جاری است، مادامی که امام مالک عفو نیست و اختیار آن را ندارد، شفاعت در آن جرم راه نداشته و از آن نفی شده است.

۶- میانجیگری کیفری آموزه ای از عدالت ترمیمی

میانجیگری یکی از جلوه های عدالت ترمیمی است و عدالت ترمیمی ساختاری فلسفی است که نوع دیگری از اندیشه و تفکر نسبت به جرم و عدالت کیفری را عرضه می کند ، عدالت ترمیمی روش جدید اندیشیدن درباره جرم و هم درباره چگونگی پاسخ به آن است. (غلامی ، ۱۳۸۵ ، ص. ۷) ناگفته پیداست که میانجیگری کیفری - به ویژه میانجیگری کیفری با نظارت قضایی - جلوه ای از عدالت ترمیمی است که تا اندازه ای «عدالت کیفری» را به «عدالت مدنی» (حقوقی) و آیین دادرسی کیفری را به آیین دادرسی مدنی نزدیک می نماید و بدین سان مرزهای سنتی بین حقوق کیفری و حقوق مدنی را کم رنگ و حتی گاه از بین می برد. مگر نه این است که امروزه ، حقوق مدنی در کنار حقوق کیفری - به عنوان هسته اصلی و مرکزی سیاست جنایی - به یکی از مقوله های سیاست جنایی (در مفهوم موسع آن) - تبدیل شده است؟ (حسینوند ، ۱۳۹۷، ص. ۱۴) میانجیگری یکی از برنامه های عدالت ترمیمی در مرحله پیش دادرسی است و سابقه ای به قدمت خود اختلاف و روش های حل آن و قدمت تاریخ باستان دارد. با روش های نوین و سازوکارهای پیشرفته تری در بسیاری از کشورهای جهان از جمله ، ایران ، مصر و انگلیس پا به عرصه وجود گذاشته است. (سودانی سادری، ۱۳۹۹، ص. ۱۷) به اعتقاد بسیاری از طرفداران عدالت ترمیمی، میانجی گری قدیمی ترین و تأثیر گذارترین روشی است که امروزه نیز در نقاط مختلف دنیا مورد استفاده قرار گرفته و از جهات مختلف از سایر روشها متمایز است. به یک معنا می توان میانجیگری را سنگ بنا و جانمایه عدالت ترمیمی دانست. در روش میانجی گری قضایی ایجاد می شود که بزه دیده و بزه کار بتوانند به صورت رو در رو، بدون هر گونه فشار و اعمال نظر دستگاه کیفری با یکدیگر گفت و گو نمایند؛ بزه کار از چگونگی وقوع جرم و دلایل و انگیزه های خود از ارتکاب آن؛ و بزه دیده از خسارت وارده ناشی از بزه دیدگی و نیازها و خواسته های خود سخن گفته و روند سازش و حل و فصل اختلافات را پیگیری می نمایند. (احمدی، ۱۳۹۳، ص. ۴۶) در واقع می توان گفت سیاست جنایی اسلام با شفاعت مجرم ، محدود کردن دخالت دولت در قلمرو جرم و اجتماعی کردن هر چه بیشتر پاسخ به پدیده مجرمانه را باعث گردیده و زمینه گسترش عدالت ترمیمی را بدین طریق هموار می سازد. (حسینوند ، ۱۳۹۷، ص. ۱۴) فلسفه وجودی اجرای روش میانجیگری و شفاعت تلاش برای حل و فصل خصومت ها و تنازعات است. اما با رویکرد اصلاح رفتارها برای ایجاد جامعه ای مترقی و مدنی، که افرادش حقوق یکدیگر را رعایت می کنند و برای رشد و تعالی آن جامعه همت می نهند. مشی و سلوکی که در اندیشه عدالت ترمیمی متجلی است.

۷- نقش میانجیگری و شفاعت در تحقق عدالت ترمیمی

در یک نظام اسلامی از یک سو با توجه به انسجام و تماس موجود بین افراد جامعه، که از آن به اخوت ایمانی یاد می شود، زمینه مناسبی برای حل تعارضات و نزاعها از طرق غیر قضایی وجود دارد. بطوریکه میانجیگری شخص ثالث بین اطراف دعوی به منظور حل اختلاف و رفع دعوی بدون توسل به طرق قانونی و قضایی رسیدگی بسیار مورد توجه و توصیه شارع مقدس اسلام بوده است. این قلمرو شامل بخش اعظم دعاوی حقوقی (مدنی) و آن دسته از دعاوی کیفری می باشد که جنبه خصوصی حق الناسی آن غالب و تعقیب و مجازات مجرم منوط به اراده و مطالبه قربانی یا اولیاء دم دانسته شده است (جرائم قابل گذشت). (احمدی، ۱۳۹۳، ص. ۴۷) هدف عدالت ترمیمی اصالت دادن به هویت واقعی اشخاص است و لازمه این هویت بخشی توجه به ابعاد شخصیتی او و احیاء اندیشه ها و رویکردهای مبتنی بر سرشت انسانی و مفاهیم اسلامی است. ایجاد محبت و دوستی و ترویج مصالحه اجتماعی با نگرش ایجابی به نظام مسائل پیچیده عصر حاضر، تفکر عدالت ترمیمی است که خود را جایگزین عدالت کیفری معرفی می کند. اما به تمامی شئون پیرامون بزه و جرم نیز توجه دارد تا طرفداران بیشتری بیابد، سعی و تلاش در تحقق آرمان عدالت ترمیمی، وابسته به روشهایی است که به کارگیری و اجرای صحیح آنها، منشأ تحول در نظام قضائی ایران خواهد بود. میانجیگری و شفاعت و نگرش مجریان، به نقش بزه دیدگان و بزهکاران و اعضای جامعه محلی در اجرا و مدیریت عدالت کیفری بسیار حیاتی و پراهمیت است، تبیین این نقش در ادامه بحث خواهد توانست زوایای عمیق اندیشه عدالت ترمیمی را هویدا سازد.

۷-۱- ترویج فرهنگ صلح و سازش

واژه اصلاح و مشتقات آن ۱۸۰ مرتبه در قرآن به کار رفته است. قرآن گاه اصلاح را به عمل نسبت می دهد: «فلیعمل عملاً صالحاً» (کهف / ۱۱۰) و گاه به خود انسان: «والصالحین من عبادکم و اماءکم» (نور / ۳۲). همچنین قرآن کریم گاه اصلاح میان دو فرد را مطرح می کند (اصلاح ذات البین) ۲۴ گاه در محیط خانوادگی، ۲۵ و گاه در مورد اصلاح فرد (خودسازی). (حق پناه، ۱۳۸۰، ص ۷) در باره صلح شش آیه آورده شده است: ۱ - آیه ۱ - از سوره انفال فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ ۲ - آیه ۱۱۴، از سوره نساء لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ ۳ - آیه ۱۰، از سوره حجرات إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ ۴ - آیه ۳۵، از سوره نساء إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا ۵ - آیه ۹ - از سوره حجرات فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ ۶ - آیه ۱۲۸، از سوره نساء وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ، در ذیل این آیات، شش فائده فقهی یاد گردیده و از آن جمله است مشروع بودن صلح که حدیث نبوی «الصلح جائز من المسلمین الا ما حرم حلالا او حلالا حراما» ناظر به آن و مؤکد آن است و از جمله است این که تشریح آن گر چه بقصد اولی و ذاتی برای قطع تنازع است لیکن افاده امری زائد نیز از آن ممنوع و غیر مقصود نیست و از جمله آن که با اقرار و انکار و بر معلوم و مجهول و بر دین و بر عین و بر منفعت و بر اطفاء نائره و حفظ دماء و اصلاح ذات بین و اصلاح میان زوجین بر همه جائز است پس موضوع صلح از همه عقود دیگر اعم است و از این رو در باره اش مشهور گشته است که «الصلح سید الاحکام». (شهابی، ۱۴۱۷، ص. ۱۲۵/۲) اصلاح ذات البین: آشتی دادن دو یا چند نفری که با هم کینه و دشمنی

دارند، مستحب و در موردی که حفظ جان مؤمنی بر آن توقّف دارد، واجب است. از موارد مصرف زکات صرف آن برای اصلاح ذات البین است. مستحب است قاضی پیش از داوری، دو طرف دعوا را به صلح و آشتی فراخواند و در صورت خودداری آن دو، حکم را صادر نماید. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ص. ۵۱۳) در منابع فقهی در مبحث قضاوت ابتدا به مسئله اصلاح ذات البین و استحباب ترغیب دو طرف به صلح و سازش اشاره می شود، آن گاه در صورت عدم توافق و مصالحه، قاضی می تواند به قضاوت و صدور حکم قضایی اقدام نماید. (حسینی و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۷۸) علامه طباطبایی در تفسیر آیه شریفه «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» می فرماید: جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» ارتباط مؤمنان را منحصر کرد در ارتباط اخوت، برای این که مقدمه و زمینه چینی باشد برای تعلیلی که برای حکم صلح می آورد و می فرماید: «پس بین دو برادر خود اصلاح کنید» و در نتیجه بفهماند این دو طایفه‌های که شمشیر به روی یکدیگر کشیده اند، به خاطر وجود اخوت در بین آن دو، واجب است که صلح در بینشان برقرار گردد و اصلاحگران به خاطر این که برادران آن دو طایفه هستند واجب است صلح را در هر دو طایفه برقرار نموده هر دو را از نعمت صلح برخوردار سازند، نه اینکه به طرف یک طایفه متمایل شوند؛ و اینکه گفته «اخویکم» با اینکه می توانست بفرماید «الاخوین» برای این بود که در کوتاهترین عبارت لطیفترین بیان را کرده باشد، چون جمله مورد بحث دو چیز را می فهماند: یکی اینکه دو طایفه‌های که با هم جنگ می کنند برادر یکدیگرند و باید صلح بینشان برقرار شود. دوم اینکه سایر مسلمانان هم برادر هر دو طرف جنگ هستند و آنان باید رعایت برادری و اصلاح را در بین هر دو طایفه بنمایند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص. ۳۱۵) در ماده ۸۲ و ۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری و برخی مفاد آیین نامه اجرایی مصوب سال ۱۳۹۵ هیأت وزیران منجمه بند الف، ب، ث و چ ماده ۱ به مسئله سازش بزه دیده و بزهکار از طریق فرآیند میانجیگری اشاره شده است.

۷-۲- نقش آفرینی و اصلاح جامعه

عدالت ترمیمی مبتنی بر میانجی گری کیفری، نه تنها ترمیم لطمات و صدمات بزه دیدگان جرم را مدنظر قرار می دهد؛ بلکه ترمیم گسست ها و اختلالات روابط اجتماعی جامعه را نیز مدنظر قرار می دهد میانجی گری کیفری به دلیل اینکه در فرایند خود افراد متعددی را شامل می شود و آنها را در فرایند ترمیمی، مداخله می دهد آثار مثبتی را در سطح گسترده تری برجا می گذارد. برخی از مدل های میانجی گری کیفری مانند گفتگوهای گروه های خانوادگی افراد متعددی از جمله خانواده های بزه دیده و بزهکار و مدافعان حقوق بزه دیده و بزهکار و دوستان و آشنایان حتی همسایه های نزدیک آنها نمایندگان دستگاه عدالت کیفری مانند پلیس یا دادستان را در خود مشارکت می دهند به یک تفاهم متقابل در مورد حادثه بزهکاری می رسند. (عسگری نیاسر، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۰) می توان گفت روابط اجتماعی افراد پیرامون جرم، به دلیل تأثیر بزه بر رفتارها و کنش های اشخاص، دچار اختلال و آسیب می شود و این آسیب، خسارت هایی را از جنبه های مختلف بر روند طبیعی زندگی بزه دیده، بزهکار و جامعه اطراف ایجاد می کند، تلاش برای شفاعت و میانجیگری، تلاش برای تغییر رفتار و اصلاح روابط اجتماعی اعم از جامعه پیرامونی و نهایتاً گستره اجتماع است که عملاً تحقق عدالت ترمیمی را پیگیری می کند.

۷-۳- پیشگیری از وقوع اختلافات و تنازعات

یکی از مهمترین اهدافی که میانجیگری کیفری در ارتباط با جامعه دنبال می کند مسأله پیشگیری از بزهکاری است. از جمله مسئولیت پذیری آگاهانه بزهکار ترمیم شخصیت انسانی بزهکار، شرکت اختیاری افراد همراه با تضمین های حقوق بزه دیده و بزهکار، برگرداندن موفقیت آمیز آنها به صحنه اجتماع و بدور از معایب برچسب زنی بزهکار و سایر محاسن میانجیگری کیفری، که همگی می تواند از عوامل پیشگیری از وقوع احتمالی بزه باشند. (عسگری نیاسر، ۱۳۹۸، ص ۱۰۱) قطعاً پیشگیری از وقوع اختلافات و تنازعات چه در بزه دیدگی و بزهکاری مجدد و چه اثرات وضعی آن بر جامعه، از اهداف مترقی و تبعی گسترش مفهوم عدالت ترمیمی در جامعه خواهد بود که به واسطه نقش آفرینی تفکر میانجیگری و شفاعت حاصل می شود.

۷-۴- مشارکت جامعه محلی در میانجیگری کیفری

جامعه محلی یکی از سهامداران جرم است که معمولاً در دادرسی رسمی تنها می تواند ناظر مجازات شدن یا مجازات نشدن مجرم باشد. جامعه محلی در این نظام در بی قدرتی و انفعال کامل به سر می برد ولی میانجیگری بر آن است تا از پتانسیل های عظیم جامعه حداکثر استفاده را برای کنترل دامنه آسیب و ترمیم آنها ببرد. (سودانی سادری، ۱۳۹۹، ص. ۵۹) اصل و عنصر مشارکتی میانجی گری، کیفری نمایانگر مداخله جامعه مدنی در فرآیند عدالت کیفری در مقابله با اعمال مجرمانه میباشد که با کمک گرفتن از خود بزه دیده و بزهکار افراد خانواده، والدین، سرپرستان، معلمان افراد با نفوذ و احترام جامعه سازمانها و نهادهای غیر دولتی علاقمندان به حقوق بزه دیده و بزهکار و کارکنان نظام عدالت کیفری، سعی می کند که در بحران مداخله نموده و سپس با آن مقابله نماید و از حوادث مشابه پیش گیری نماید. بدین طریق میانجی گری کیفری نمادی از مشارکت افراد جامعه و فرهنگهای موجود در آن در مدیریت دستگاه عدالت کیفری میباشد چرا که جامعه انسانی احساس می کند که مسأله بزهکاری مسأله ای است که کل جامعه را به چالش فرا میخواند بنابراین جامعه انسانی خود با احساس مسئولیت در برابر بزهکاری به همکاری گسترده ای با دستگاه عدالت کیفری دست می زند. (عسگری نیاسر، ۱۳۹۸، ص. ۸۴) جامعه محلی اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی، شامل اشخاصی هستند که یا با متهم یا با بزه دیده و یا با اثر جرم در ارتباط بوده اند و یا اینکه در مسئولیت پذیر کردن متهم یا جلب نظر بزه دیده می تواند نقش مثبت و موثر داشته باشند. کارکرد جامعه محلی مسئولیت پذیر کردن متهم است از این جهت که رابطه ای بین ایشان وجود دارد که زمینه ساز تاثیر پذیری فرد از آن جامعه محلی می شود همانند مدرسه ای که فرد در آن مشغول تحصیل است یا مسجدی که در نزدیکی محل سکونت اوست؛ همچنین است نسبت به بزه دیده و جلب رضایت او می توان گفت نقش جامعه محلی در کنار میانجیگر کمک به فرآیند میانجیگری و تسهیل حصول توافق است. (فرشی، ۱۳۹۹، ص. ۳۸) امروزه مشارکت مردم در فرآیند رسیدگی از بدو وقوع جرم تا صدور حکم نهایی در پرتو سیاست جنایی توسعه بیشتری نسبت به گذشته یافته و روند روبه رشدی دارد. (حسینی و دیگران، ۱۴۰۱، ص. ۹۷) این مشارکت صرف نظر از نتایج آن، در حقیقت طی طریقی است در مسیر و جریان عدالت ترمیمی، که می کوشد تقویت روابط افراد داخل در موضوع را دنبال کند و از دیگر سوی مقوی گفتمانی باشد که نظام فقهی ما نیز آن را مطلوب می داند، یعنی تلاش برای اصلاح ذات البین و عدالت ترمیمی با مشارکت جامعه محلی.

۷-۵- حل و فصل خصومت ها و رفع تنش ها

همه ما می دانیم که غالباً و در اکثر پرونده های کیفری مطروحه در دادگستری ها یا طرفین حق را به جانب خود می دانند و یا اینکه به نوعی سعی در توجیه اعمال خلاف قانون خود می نمایند از سوی دیگر طرفین در طول دادرسی متحمل مشکلات و هزینه ها و اتلاف وقت زیادی می گردند و در نهایت دادگاه ها نیز نمی توانند بر وفق مراد طرفین پرونده رأی صادر نمایند؛ بنابراین دو طرف به نوعی ناراضی از نتیجه دادرسی می باشند و فکر می کنند که دادرسی ناعادلانه بوده بیش از اندازه طول کشیده و وقت زیادی را از آنها اشغال نموده ، متحمل هزینه های هنگفتی شده اند و برخوردها نامهربانانه بوده ولی آخر پس از پایان رسیدگی قضایی نیز دو طرف از هم ناراضی و کدورت به دل دارند و چه بسا همین امر هم باعث تنش ها و درگیری های دیگری در آینده گردد؛ اما مزیت بسیار بزرگ میانجیگری این است که بیشتر مشکلات دادرسی های سنتی و قضایی را ندارد و در نهایت به راه حلی می رسد که مورد توافق و قبول طرفین است و لذا طرفین مصالحه نموده و روابط صمیمانه قبلی خود را از سر می گیرند و کدورتها به معنی واقعی رفع می گردند. (سودانی سادری، ۱۳۹۹، ص. ۵۶) در واقع فرآیند میانجیگری مجموعه اقداماتی است که طی آن با مدیریت میانجیگر و با حضور بزه دیده و متهم و در صورت ضرورت، سایر اشخاص مؤثر در حصول سازش از قبیل اعضای خانواده دوستان یا همکاران آنها و نیز حسب مورد اعضای جامعه محلی، نهادهای ذیربط رسمی، عمومی و یا مردم نهاد با بهره گیری از عدالت ترمیمی، برای حل و فصل اختلاف کیفری با یکدیگر به گفتگو و تبادل نظر پرداخته، در صورت حصول توافق موافقت نامه ای را تنظیم و برای مقام قضایی مربوط ارسال می شود. بنابر این هدف از مداخله میانجی در یک موضوع ختم دادرسی و فیصله موضوع مورد اختلاف است. (نوریزاد و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۵) راهی که میانجیگری در حل و فصل اختلافات و منزاعات می پیماید، با تکیه بر اصول و راهبردهای عدالت ترمیمی است، که به میانجی یادآوری می کند تمام وجوه ذی مدخل در جرم را عنایت کند تا ترمیم گسستها و روابط غایت آن باشد و این خود نتیجه ای است که عدالت ترمیمی در نهایت امر آن را مد نظر دارد.

۷-۶- جبران خسارت بزه دیدگان و ترمیم نیازهای آنها

از جمله نتیجه های رسیدگی به جرم ارتكابی در دادرسی ترمیمی و استفاده از ساز و کارهای آن، امکان ترمیم و جبران خسارتهای وارده به بزه دیده و احیاء دوباره زندگی وی است. (عباسی، ۱۳۸۲، ص. ۹۴) هدف واکنش ترمیمی به جرم نه مجازات مجرم بلکه جبران زیان ناشی از آن است. پرسشی که پس از وقوع جرم در عدالت ترمیمی مطرح میشود این است که چگونه می توان آنچه را تخریب شده دوباره ساخت؟» و «برای ساختن مجدد چه باید کرد؟ برای مثال فرایند ترمیم و جبران از بررسی میزان خسارت بزه دیده آغاز می شود بدون تردید با بررسی کلیه شرایط و اوضاع و احوال می توان راههای جبران خسارت و زیان ناشی از جرم را مورد توجه قرار داد. (عسگری نیاسر، ۱۳۹۸، ص. ۶۳) بزهکاران باید برای جبران خطایی که مرتکب شده اند کاری انجام دهند و با این کار خود، به اشتباه بودن اعمال خویش اعتراف نمایند. طرفداران عدالت ترمیمی تناسب جبران با خطای انجام شده تأکید دارند. ضمناً به توانایی بزهکار بر جبران آسیب وارده نیز توجه می شود. مورد دیگری که مفهوم جبران در آن مصداق عملی می یابد آسیب های معنوی وارده به بزه دیده است. می دانیم در آسیب های معنوی غرامت نمی تواند، پاسخگوی نیازهای بزه دیده باشد ، در این گونه موارد، بزهکار باید با استفاده از روش های دیگر ، رضایت بزه دیده را به دست آورده و نسبت به ترمیم آلام وارده بر وی کوشش نماید. از این رو ، مفهوم جبران در این گونه موارد کار

ساز است. (شیری، ۱۳۸۵، ص. ۲۶۱) میانجیگری به عنوان اصلی ترین جلوه عدالت ترمیمی به دنبال ترمیم نیازهای بزه دیدگان است این نیازها به اعتقاد برای ویت شامل مواردی می شوند منجمله احیا و بازسازی و ترمیم شخصیت انسانی و عطف بزه دیده، ترمیم زیانها و خسارتهای مالی ترمیم و درمان لطمات جسمانی و روانی احیا و اعاده حقوق و آزادی های از دست رفته انسانی بزه دیده بازسازی و احیای نهادهای اجتماعی مانند خانواده مدرسه و محیط های کاری و اشخاص حقوقی بزه دیده و ترمیم و جبران خسارات و لطمات وارده بر آنها. (سودانی سادری، ۱۳۹۹، ص. ۵۳) میانجیگری کیفی به دنبال جبران خسارت است؛ به گونه ای که مقبول طرفین دعوا و به نحوی باشد که سبب نادیده گرفتن حقوق آنان نگردد. با اعمال میانجیگری کیفی، جایگاه بزه دیده شناسی حمایتی در روند رسیدگی ها به رسمیت شناخته می شود و توجه ویژه ای به خواسته ها و نیازهای بزه دیده می گردد و مسئولیت پذیری و تعهد بزهکار جهت جبران خسارات ناشی از جرم و حس همدردی و درک شرایط بزه دیده را به همراه دارد. (ساداتی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۸)

۷-۷- مسئولیت پذیری ، اصلاح و بازپروری بزهکار

در فرآیند ترمیمی ، پذیرش داوطلبانه مسئولیت ، جانشین انکار بزه و مسئولیت در عدالت کیفی می شود. این پذیرش اختیاری به ایجاد رابطه مجدد بین بزهکار و بزه دیده و اعضای اجتماع منجر می شود. بزهکار احساس ندامت خواهد کرد و برای جبران آسیب های وارده تلاش می کند. یک حس امنیت قوی در او ایجاد می شود که این احساس به وی کمک می کند تا در آینده به سمت جرم باز نگردد. (شیری، ۱۳۸۵، ص. ۲۹۵) بزهکار باید مسئولیت فعل ارتكابی خود را بپذیرد و خسارات وارده در اثر فعل مجرمانه خود را در حق بزه دیده جبران نماید. در مورد خسارات معنوی نیز اقدام به عذرخواهی و طلب بخشش جهت تسلی خاطر و رضایتمندی بزه دیده بنماید. در اکثر جرائم بعد از وقوع جرم بزهکار در جریان صدمات و تألمات بزه دید قرار نمی گیرد اما در فرآیند میانجیگری کیفی مذاکرات رودررو و صحبت های مستقیم و بیان احساسات و رنج ها و آثار واقعی بزه بر زندگی بزه دیده و خانواده وی باعث آگاهی بزهکار از آثار واقعی عمل خویش می گردد. (عباسی ، ۱۳۸۲، ص. ۹۷) در فرآیند میانجیگری مبتنی بر عدالت ترمیمی وجدان انسانی بزهکار بیدار گشته و ضمن قبول بزه و آثار و نتایج آن احساس همدردی و ندامت خود را ابراز می نماید و این احساس و ابراز همدردی است که باعث تسلی خاطر و رضایتمندی بزه دیده و تأثیر مثبت بر عملکرد آینده بزهکار می گردد. (سودانی سادری، ۱۳۹۹، ص. ۵۷) میانجی گری باعث ایجاد شرایط لازم برای بزهکاران جهت کسب اطلاعات و آگاهی لازم از نتایج وخامت بار جرم و تأثیر آن بر سایر افراد و نیز پذیرش آزادانه مسئولیت های ناشی از آن می گردد. (غلامی، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۰) میانجیگری با هدف جلب بزه کار در به عهده گرفتن مسئولیت اقدامات خود و درک از صدمه ای که به بزه دیده وارد کرده به او فرصتی در بازتوانی و بازپذیری می دهد تا آسیب ها و بزه را جبران کند. (سعیدی، ۱۴۰۱، ص. ۱۸۸) یکی از ارکان مهم جرم بزهکار است، شخصی که مسئولیت جرم متوجه اوست و همسو نمودن او با اهداف عدالت ترمیمی، زمینه ساز دستیابی به توفیقاتی است که در پرتو تلاش میانجی حاصل می شود.

تحقق عدالت ترمیمی در گرو به کارگیری روش هایی است که پرداختن به آنها ، می تواند زمینه ساز تحولات عظیمی در فرآیندهای کیفری و همچنین اثرگذاری مؤثر در جریان زندگی اشخاص اعم از بزه دیده گان و بزهکاران باشد. فارغ از چالش ها و مشکلات که پرداختن به آنها نیز مسیر پیمایش را هموارتر خواهد نمود، در این مقاله تلاش شد، ضمن شناخت اجمالی میانجیگری در حقوق و شفاعت در فقه و تبیین قرابت ها و همسویی اهداف، به نقش این روش در تحقق عدالت ترمیمی توجه شود، مسئولیت پذیری ، اصلاح و بازپروری بزهکار یکی از مهمترین نقش هایی است که میانجیگری کیفری برای تحقق عدالت ترمیمی به عهده دارد و چه بسا بزهکار، محور تمرکز فعالیت میانجیگری است. جبران خسارت بزه دیدگان و ترمیم نیازهای آنها، تجلی اثر بخشی اقدامات میانجی و به طریق اولی مبین نشر آموزه های عدالت ترمیمی خواهد بود، توسعه مشارکت جامعه محلی در عدالت کیفری ، نقش آفرینی و اصلاح جامعه نیز ابعاد دیگری از کارایی گفتمان عدالت ترمیمی را آشکار می سازد، حل و فصل خصومت ها و رفع تنش ها، پیشگیری از وقوع اختلافات و تنازعات و ترویج فرهنگ صلح و سازش از جمله نقش هایی است که روش میانجیگری برای دستیابی به عدالت ترمیمی ایفا می کند . میانجیگری و شناخت دقیق آن ، ترویج و توسعه این نهاد و تربیت صحیح میانجیگران قادر خواهد بود ، همراه و در تعامل با دادگاه ، در اجرای عدالت و جلب رضایت و اعتماد عمومی تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد. عصر کنونی با روابط پیچیده آن، تفکر عدالت ترمیمی را ایجاب می کند و بسط و گسترش آن با اجرای روش هایی همچون میانجیگری خواهد توانست بحران های کیفری را به خوبی مدیریت و سامان دهد. امید است مقاله حاضر توانسته باشد جایگاه میانجیگری در تحقق عدالت کیفری و ترمیمی را به خوبی تبیین نموده و نگاهی دیگر به مسئله ، برای حمایت نظام قضایی از مراجع شبه قضایی و خصوصی و روش های مبتنی بر آن برای برون رفت از آسیب های ناشی از عدالت کیفری باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴). *لسان العرب*. بیروت: دارالفکر للطباعة.

احمدی، لیلی. (۱۳۹۳). میانجیگری الگویی برای رفع تعارضات (روشی مؤثر در تحقق عدالت ترمیمی)، فصلنامه مددکاری اجتماعی، دور ۳، شماره ۱، پیاپی ۷، ص ۴۴-۵۱

جبران مسعود. (۱۳۷۶). الرائد. مشهد: چاپ انتشارات آستان قدس رضوی.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۱). مبسوط در ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.

حسینی، سیده سمانه؛ کاظمی گلوردی، محمدرضا؛ شایگان فرد، مجید. (۱۴۰۱). مبانی فقهی میانجیگری کیفری در عرصه جرائم تعزیری با تاکید بر عدالت ترمیمی، فصلنامه مطالعات میان رشته ای فقه، شماره ۶، ص ۷۹-۱۰۲

حسینی، سیدمحمد؛ صفرزاده، داوود؛ امیرپور، حیدر. (۱۳۹۰). تحلیل مبانی فقهی و حقوقی شورای حل اختلاف و نهادهای مشابه. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

حسینوند، موسی. (۱۳۹۷). میانجیگری کیفری در پرتو آموزه های عدالت ترمیمی. تهران: انتشارات مجد.

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه. تهران: انتشارات و مؤسسه انشارات و چاپ دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۳۷۵). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن. بی جا.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات. بیروت: دار العلم.

رضایی، کاوه؛ سبزواری، ابراهیم؛ کارگر، مسعود؛ تیرافکن، بهنام؛ علی جانی، ایوب. (۱۳۹۸). بازتاب سیاست کیفری ایران در قانون آیین داری کیفری مصوب ۱۳۹۲ در خصوص قرار میانجی گری از سوی نهاد دادسرا در پرتو عدالت ترمیمی، فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار، دوره سوم، شماره دوازدهم، ص ۹۱-۱۱۵

زهر، هوارد. (۱۳۸۳). کتاب کوچک عدالت ترمیمی. تهران: انتشارات مجد.

ساداتی، سیدمحمد مهدی؛ ساداتی، سیدمحمدجواد؛ محمدی کراچی، بابک. (۱۳۹۹). میانجیگری در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران، دو فصلنامه علمی مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، سال چهاردهم، شماره ۴۱، ص ۳۰-۵

سبزواری، عبدالکریم. (۱۴۰۱). عدالت ترمیمی در دادسرا. تهران: انتشارات قانون یار.

- سعیدی ، یاسمن. (۱۴۰۱). الگوی میانجیگری از عدالت ترمیمی در نظام حقوقی ایران و اسلام. فصلنامه علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، دوره ۱۰، شماره ۳، شماره پیاپی (۲۳)، ص ۱۹۰-۱۷۳
- سودانی سادری ، بدر. (۱۳۹۹). میانجیگری کیفری. تهران: انتشارات دادگستر.
- شهابی ، محمود. (۱۴۱۷). ادوار فقه. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- شیری ، عباس. (۱۳۸۵). عدالت ترمیمی (مبانی و کنشگران). تهران: رساله دکتری ، دانشگاه شهید بهشتی ، دانشکده حقوق.
- صبحی ، رحمان. (۱۳۹۴). عدالت کیفری در نظام کیفری موضوعه ایران. تهران: انتشارات مجد.
- صوفی، فرشید؛ افراسیابی، سعید. (۱۳۹۷). جایگاه میانجیگری در دادرسی کیفری. تهران: انتشارات قانون یار.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷ق). تفسیر المیزان. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی حائری ، سید علی بن محمد علی بن ابی المعالی. (۱۴۲۲). ریاض المسائل فی بیان أحكام الشرع بالدلائل. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- طریحی ، فخرالدین. (۱۴۰۸). مجمع البحرین. بی جا: مکتبه نشر الثقافه الاسلامی.
- عباسی ، مصطفی. (۱۳۸۲). میانجی گری کیفری. تهران: نشر دانشور.
- عباسی ، مصطفی. (۱۳۸۲). افق های نوین عدالت ترمیمی در میانجیگری کیفری. تهران: نشر دانشور.
- عسگری نیاسر ، مسعود. (۱۳۹۸). میانجیگری کیفری قاضی و پلیس جلوه‌ای نوین از عدالت ترمیمی. تهران: آریا دانش.
- عمید، حسن. (۱۳۷۷). فرهنگ فارسی عمید. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- غلامی ، حسین. (۱۳۸۵). عدالت ترمیمی. تهران: انتشارات سمت.
- فرشی ، حمید. (۱۳۹۹). مباحث حقوقی کاربردی میانجیگری در امور کیفری. تهران: انتشارات چتر دانش.
- معین، محمد. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. تهران: چاپخانه سپهر تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۷). اخلاق در قرآن. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۴). یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث شامل سیصد آیه و هفتصد حدیث. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

میرخلیلی، احمد؛ کلاتتری خلیل آباد، عباس؛ دشتی، حسین. (۱۳۹۸). قلمرو شفاعت در اقسام مجازات. مجله فقه و اصول دانشگاه فردوسی مشهد، سال پنجاه و یکم، شماره ۱۱۹، ص ۱۱۵-۱۳۷.

نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۰). از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی. مجله دانشگاه علوم اسلامی رضوی، سال سوم، شماره ۲، ص ۱-۳۶.

نوبهار، رحیم. (۱۳۹۳). شفاعت در حدّ و تعزیر. پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۷، ص ۱۳۰-۱۰۳.

نوریزاد، عزت اله؛ مجتهد سلیمانی، ابوالحسن؛ سید مرتضی حسینی، راحله. (۱۳۹۸). میانجیگری کیفری آموزه ای از عدالت ترمیمی از منظر حقوق و اخلاق، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال پانزدهم، شماره ۴.

هاشمی شاهرودی، محمود. (۱۳۸۲). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).